

قشر
دانشجو،
جنبش ...



مسأله
زن و
کنگره ۱۵ ...



جنگ
تمساحها
در ...



اتحاد،
کلید
موفقیت...



اعدام
جهان
عرب با ...



تأمین حقوق ملی خلق کرد در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

کوردستان

ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

شماره ۵۹۹، دوشنبه، ۳۰ بهمن ۱۳۹۱، ۱۸ فوریه ۲۰۱۳، ۱۵۰ تومان

www.kurdistanmedia.com

در آستانه‌ی ۲۱ فوریه، روز جهانی زبان مادری، این روز را به تمامی خوانندگان روزنامه‌ی کوردستان تبریک و شادباش گفته و امیدواریم ملت کرد در کردستان ایران در ایرانی دمکراتیک و فدرال بتواند به زبان مادری خود، آموزه‌های علم و زندگی را فرا بگیرند

سلفن

ناهد حسینی

الیناسیون زبانی

پس از تصویب اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸، از سوی سازمان ملل متحد، قطعنامه‌ها و اعلامیه‌های بسیاری بر اساس همان مینا و در ارتباط با حقوق بشر به تصویب رسیده‌اند که هر کدام به نوبه‌ی خود تأثیرات چشمگیری بر چگونگی و نحوه‌ی زندگی انسان‌ها گذاشته است. یکی از این بیانیه‌ها که سال ۱۹۹۶ در شهر بارسلونای اسپانیا به تصویب رسید، اعلامیه جهانی حقوق زبانی بود. ضرورت وجود چنین روزی و دلایل تصویب آن از سوی نهادها و سازمان‌های غیر حکومتی، بیانگر اهمیت و ارزش "زبان" به‌عنوان عاملی بنیادین در زندگی ملت‌هاست.

در بخش آغازین این اعلامیه آمده است که: "با در نظر گرفتن این که اکثریت زبان‌های در معرض نابودی متعلق به گروه‌های مردمانی می‌باشند که از حق حاکمیت ملی برخوردار نیستند، موانع اصلی توسعه این زبان‌ها که به روند جایگزینی زبانی دیگر به جای آنها شتاب می‌بخشد عبارتند از نبود حکومت‌های خودگردان آنها و سیاست دولت‌ها که ساختارهای سیاسی و اداری و زبان خود را بر آنها تحمیل می‌نمایند." از طریق این تحمیل زبانی، موجودیت و هویت زبان اول یعنی زبان مادری انسان دچار ریزش، از بین رفتن و کمرنگ شدن می‌گردد و انسان دچار الیناسیون زبانی می‌شود. به همین دلیل نیز تعیین روزی به نام روز جهانی زبان مادری، نقش اساسی زبان را بیش از پیش آشکار می‌نماید.

در یک سرزمین چند ملیتی، تنوع زبانی امری کاملاً طبیعی به شمار می‌آید، اما زمانی که این امر طبیعی به دلیل منفعت‌طلبی و خودکامگی حکومت مرکزی به طرق گوناگون و به بهانه‌ی وجود زبان رسمی و همه‌گیر و از دیدگاه "یک دولت-یک ملت"، غیر طبیعی جلوه داده می‌شود، مشکلات و معضلات جمعیت‌های زبانی متفاوت از همان مراحل اولیه‌ی ادغام با کلیت جامعه آغاز می‌شود.

ممکن است ایران از مذاکرات به عنوان سرپوشی برای ساخت بمب استفاده کند بان کی مون می‌گوید کشورهای جهان هنوز قانع نشده‌اند که برنامه هسته‌ای ایران دارای بعد تسلیحاتی نیست. دبیرکل سازمان ملل می‌گوید این سازمان باید هر چه سریع‌تر در مورد کارایی دیپلماسی برای رفع نگرانی‌های جامعه جهانی درباره برنامه هسته‌ای ایران به قضاوت بنشیند یا ریسک این خطر را که ایران از گفتگوهای هسته‌ای با آژانس به عنوان «سرپوشی» برای ساخت بمب استفاده کند، بپذیرد. بان کی مون در گفتگو با روزنامه آمریکایی «واشینگتن پست» که روز پنجشنبه، ۲۷ بهمن‌ماه منتشر شد، اظهار داشت که خواهان سرعت بخشیدن به مذاکرات دیپلماتیک با ایران است و چنین عملی را

ریاض حجاب، نخست وزیر پیشین سوریه که به صف مخالفان پیوسته، گفته است که جمهوری اسلامی ایران در سوریه قویاً فعال است و این کشور به اشغال رژیم جمهوری اسلامی ایران در آمده است. ریاض حجاب همچنین گفته است که حتی رژیم آلمان نازی هم مرتکب جنایاتی نشد که بشار اسد علیه مردم سوریه مرتکب می‌شود. پیش از این، مهدی طائب، رئیس قرارگاه



بان کی مون: ایران نباید کره شمالی شود

در مورد جمهوری دمکراتیک خلق کره چه اتفاقی افتاد. وی همچنین نقش شورای امنیت برای حل مسأله برنامه هسته‌ای ایران را دارای اهمیت به سزایی دانست و افزود این شورا باید «با واکنش محکم، مصمم، مؤثر و سریع» به ایران نشان دهد که کشورهای جهان هنوز قانع نشده‌اند که برنامه هسته‌ای ایران دارای بعد تسلیحاتی نیست. در دور جدید مذاکرات ایران و ۱+۵ که قرار است در آلماتای قزاقستان برگزار شود، نماینده سازمان ملل و کاترین اشتون، نماینده عالی اتحادیه اروپا، حضور خواهند داشت. خانم اشتون پیشاپیش اعلام کرده است که از دیدار هشتم اسفند (۲۶ فوریه) آلماتای انتظار چندانی ندارد.



"نیازمند فوریت جدید" دانست. وی با مقایسه ایران با کره شمالی گفت: و نباید وقت را تلف کنیم، [چرا که] دیدیم

ریاض حجاب: سوریه در اشغال ایران است

راهبردی عمار، (نهاد مقابله با جنگ نرم در جمهوری اسلامی) روز پنجشنبه ۲۶ بهمن ماه، در جمع دانشجویان بسیجی گفته بود: "سوریه استان سی و پنجم و یک استان استراتژیک برای ماست. اگر دشمن به ما هجوم کند و بخواد سوریه یا خوزستان را بگیرد، اولویت با این است که ما سوریه را نگه داریم." وی با اشاره به ضرورت وجود نیروهای بسیجی برای مدیریت جنگ شهری گفته بود: "سوریه ارتش داشت، اما امکان اداره جنگ در داخل شهرهای سوریه را نداشت، به همین دلیل حکومت ایران پیشنهاد کرد که برای اداره جنگ شهری، بسیج تشکیل دهد." رئیس قرارگاه عمار افزود: "بسیج سوریه با ۶۰ هزار حزب‌اللهی تشکیل شد و باعث شد جنگ را در کف خیابان‌ها از ارتش تحویل بگیرد."

یمنی‌ها علیه دخالت ایران شعار دادند

مردم یمن با شعار "محاکمه قاتلان جهت تحقق عدالت"، در اکثر شهرهای این کشور علیه دخالت ایران در کشورشان شعار دادند. به گزارش العربیه، در تظاهرات میدان "الستین" در صنعاء پایتخت یمن، فواد الحمیری سخنرانی کرد و خطاب به دولت‌مردان ایران گفت: "برای مقابله با آمریکا نیازی به آمدن شما به یمن نیست، آمریکا در همسایگی شما در افغانستان و عراق حضور دارد." شوقی القاضی، سخنران میدان آزادی در شهر تعز با اشاره به توقیف محموله سلاح ایرانی، خطاب به حاضران گفت: "آیا می‌دانید که این محموله‌های سلاح برای کشتن شما از سوی ایرانی‌ها قاچاق می‌شود." القاضی همکاری با قاچاقچیان اسلحه را "خیانت" به مردم یمن و شهدای انقلاب این کشور توصیف کرد و خواستار برخورد دولت کشورش با این پدیده شد. ناجی عبدالسمیع در گفتگو با العربیه گفت: "دخالت‌های ایران در یمن امروزه برای همه آشکار شده است." به گفته وی تهران از طریق قاچاق سلاح به یمن و یا حمایت‌های مالی از برخی گروه‌ها در صدد بر هم زدن امنیت در یمن است. رژیم ایران از مدت‌ها پیش با حمایت از گروه‌های بنیادگرای شیعه و سایر گروه‌های مسلح، از جمله گروه تروریستی القاعده سعی در به آشوب کشیدن یمن و کسب نفوذ در منطقه حساس تنگه باب‌المنندب داشته است. صنعا رسماً از تهران خواسته است که به دخالت خود در یمن پایان دهد.

دیدار هیأتی از حدکا با دبیر کل سازمان UNPO



هیأت نمایندگی حزب دمکرات کردستان ایران در خارج از کشور، با دبیر کل سازمان ملت‌های بدون نماینده UNPO در شهر بروکسل دیدار کرد.

به گزارش کوردستان میدیا، روز هجدهم بهمن ماه، هیأت نمایندگی حزب دمکرات کردستان ایران به سرپرستی لقمان احمدی، عضو کمیته مرکزی و مسئول روابط حزب دمکرات در خارج از کشور، در دفتر UNPO واقع در بروکسل، پایتخت بلژیک با "ماریانو بوسداچین" دبیر کل UNPO دیدار کرد.

در این دیدار آخرین رویدادهای ایران، به ویژه کردستان و ارتباط و همکاری حزب دمکرات با دیگر احزاب کرد و احزاب عضو کنگره ملیت‌های ایران فدرال بحث و تبادل نظر شد.

در این دیدار هیأت حزب با اشاره به مصوبات کنگره پانزدهم حزب دمکرات، دیدگاه و سیاست حزب دمکرات را در رابطه با ضرورت تحکیم روابط و همکاری احزاب کرد و دیگر احزاب که برای دستیابی به حقوق ملت تحت ستم خود در

UNPO از مسأله‌ی کرد و مسأله‌ی ملی در ایران تشکر و قدردانی کرد. در بخش دیگری از این نشست، بوسداچین نقش حزب دمکرات و کنگره ملیت‌های ایران فدرال در مقابله با سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران را مهم ارزیابی نمود و تأکید کرد، حزب دمکرات و کنگره ملیت‌های ایران فدرال می‌توانند در دمکراتیزه کردن ایران نقش سرنوشت‌ساز ایفا نمایند.

ایران مبارزه می‌کنند، مورد بحث قرار داد. در ادامه‌ی این دیدار در مورد برنامه‌ی کاری آینده‌ی بخش روابط حزب دمکرات در خارج از کشور و اهمیت سازمان UNPO نزد حزب دمکرات کردستان ایران، بحث و گفتگو شد. نماینده‌ی حزب در این دیدار افزود: UNPO برای ملت کرد در کردستان ایران و حزب دمکرات به عنوان تنها عضو این سازمان در کردستان ایران از اهمیتی ویژه برخوردار است و از همکاری و پشتیبانی

شرکت نماینده‌ی اتحادیه زنان دمکرات کردستان ایران در نشست شورای زنان اینترناسیونال سوسیالیست

نشست زنان اینترناسیونال سوسیالیست، با شرکت پروانه حیدری، نماینده‌ی اتحادیه زنان دمکرات کردستان ایران در مقرر اصلی حزب سوسیالیست در شهر "لیسبون" کشور پرتغال برگزار شد.

به گزارش کوردستان میدیا، در این نشست نمایندگان چندین کشور از آفریقا، آسیا، اروپا و آمریکا شرکت داشتند.

این نشست با ایراد سخنانی از سوی رئیس بخش زنان "ناشنال دیپارتمنت" و حزب سوسیالیست پرتغال، آغاز به کار کرد.

مباحث اولیه‌ی این نشست به "بحران اقتصادی جهانی و تأثیر آن بر وضعیت زندگی زنان" اختصاص داشت. برخی از شرکت‌کنندگان بر این باور بودند که سیاست تئولبرال سبب ایجاد این بحران جهانی شده است.

در این نشست، پروانه حیدری سخنانی ایراد نمود و اشاره کرد که بیشتر حکومت‌ها برای حل بحران اقتصادی، سیاست اضافه بر مازاد اقتصادی، را تنها راه حل ممکن دانسته‌اند و این راهکار تا اندازه‌ی زیادی تأثیر منفی داشته است.

نماینده‌ی اتحاد زنان دمکرات کردستان ایران در سخنانش اشاره کرد که زنان ایران به ویژه زنان ملیت‌هایی مانند کرد، آذری، عرب، بلوچ و ترکمن نیز مانند بیشتر زنان جهان تحت فشار اقتصادی قرار دارند.

وی علت شرایط نامناسب ایران در این زمینه را سیاست‌های نادرست مسئولان رژیم جمهوری اسلامی دانست و گفت: این وضعیت نامناسب اقتصادی پیش از همه تأثیر منفی بر زندگی زنان و دختران داشته است.

پروانه حیدری از شرکت‌کنندگان در نشست درخواست کرد که پشتیبان سیاسی و معنوی ملیت‌های تحت ستم و زنان محروم ایران باشند.

در پایان نشست، قطعنامه تحت عنوان "بحران اقتصادی جهانی و تأثیر آن بر زنان" تصویب و از کشورهای اینترناسیونال سوسیالیست درخواست شد به منظور حل این مسأله گام‌های لازم را بردارند.

شرکت هیأت حزب دمکرات در نشست اینترناسیونال سوسیالیست

هیأتی از حزب دمکرات کردستان ایران به سرپرستی لقمان احمدی، عضو کمیته مرکزی حزب در نشست اینترناسیونال سوسیالیست شرکت کرد.

به گزارش کوردستان میدیا، روز شانزدهم بهمن ماه مسئول روابط خارجی حزب دمکرات، در شهر کسکاشیایی کشور پرتغال در نشست شورای اینترناسیونال سوسیالیست شرکت کرد.

مباحث روز اول این شورا به بررسی مسائل اقتصادی جهان و مسأله امنیت و آسایش و دمکراسی و همچنین وضعیت سیاسی و امنیت کشور مالی اختصاص داشت.

در همین رابطه هیأت حزب دمکرات کردستان ایران به همراه نمایندگان احزابی از سایر بخش‌های کردستان در نشست ویژه، موضوع مبارزات کردها و هماهنگی و همکاری میان آنها و اینترناسیونال سوسیالیست را به بحث گذاشتند.



هیأت حزب دمکرات کردستان ایران در نشست روز اول شورا، دیدارهایی با نمایندگان احزاب حاضر در این نشست انجام داد. در این دیدار هیأت حزب دیدگاه‌ها و سیاست‌های حزب دمکرات را برای ایجاد ایرانی دمکراتیک، سکولار و فدرال تشریح نموده و همچنین وضعیت نامناسب حقوق بشر در ایران و کردستان و نقش جمهوری اسلامی در ایجاد اغتشاش و بحران و تنش در خاورمیانه را مورد بحث و بررسی قرار دادند.

در این دیدار هیأت حزب دمکرات بر ضرورت پشتیبانی از جنبش دمکراتیک ملیت‌های تحت ستم در ایران تأکید نمود و نقش کنگره ملیت‌های ایران فدرال را به عنوان یکی از آلت‌ناتیوهای دمکراتیک نیرومند رژیم جمهوری اسلامی مورد اشاره قرار داد.

طرح نماینده‌ی حزب دمکرات در شورای اینترناسیونال سوسیالیست تصویب شد

هستند که اینترناسیونال سوسیالیست درباره‌ی آنها نگران باشد.

اینترناسیونال سوسیالیست لازم است از حکومت ایران درخواست کند که حقوق فعالان سیاسی و همچنین روزنامه‌نگاران و فعالان حقوق زنان، دانشجویان و کارگران را محترم بشمارد.

اینترناسیونال سوسیالیست باید نهایت تلاش خود را برای لغو اجرای ماده‌ی ۱۸۸ قانون جزایی ایران به کار گیرد، ماده‌ای که در آن اعضا و هواداران هرکدام از احزاب کرد، عرب و بلوچ به عنوان "مفسد فی الارض" و "محارب" تلقی و محکوم می‌گردند و بر اساس این ماده باید اعدام شوند.

طرح پیشنهادی حزب دمکرات کردستان ایران نسبت به نقض حقوق بشر ملیت‌های ایران، از سوی شورای اینترناسیونال سوسیالیست تصویب شد.

به گزارش کوردستان میدیا، این طرح افزایش آمار اعدام فعالان سیاسی کرد، بلوچ و عرب توسط جمهوری اسلامی را مورد بحث قرار داده و پس از بازنگری از سوی شورای اینترناسیونال سوسیالیست به تصویب رسیده است.

متن طرح به شرح ذیل است: افزایش شمار فعالان سیاسی که در جمهوری اسلامی ایران اعدام می‌شوند و همچنین در نظر گرفتن این واقعیت که چندین فعال سیاسی کرد بدون طی فرایند حقوقی، به اعدام محکوم شده‌اند، مسائل عمده‌ای

حضور نماینده‌ی حدکا در کنگره حزب کمونیست فرانسه

خسرو عبداللهی، نماینده‌ی حزب دمکرات کردستان ایران بنا به دعوت رسمی حزب کمونیست فرانسه در سی و ششمین کنگره‌ی این حزب که طی روزهای ۱۹ تا ۲۲ بهمن ماه در شهر سن‌سان برگزار گردید، شرکت نمود.

در این کنگره علاوه بر ۷۱۶ نماینده‌ی فدراسیون‌های حزب کمونیست فرانسه، بیش از ۱۰۰ نماینده از احزاب کمونیست، دمکرات و ترقی‌خواه سراسر جهان شرکت کرده بودند.

در حاشیه‌ی کارهای سی و ششمین کنگره‌ی حزب کمونیست فرانسه، نماینده‌ی حزب دمکرات کردستان ایران با چندین شخصیت حزبی فرانسه و جهان دیدار و گفتگو کرد.

هیأت حدکا در اریل از مقر حزب اتحاد اسلامی دیدار کرد

هیأتی از دفتر نمایندگی حزب دمکرات کردستان ایران به مناسبت سالروز تأسیس حزب اتحاد اسلامی کردستان از دفتر مرکزی این حزب دیدار نمود.

به گزارش کوردستان میدیا، روز چهارشنبه هجدهم بهمن ماه، هیأتی از دفتر نمایندگی حزب دمکرات کردستان ایران در اریل به سرپرستی محمد صالح قادری، عضو کمیته مرکزی در مقر حزب اتحاد اسلامی حضور یافت و از سوی محمد فرج، دبیر کل اتحاد اسلامی مورد استقبال قرار گرفتند.

در این دیدار هیأت دفتر نمایندگی حزب نوزدهمین سالروز تأسیس اتحاد اسلامی را به اعضا رهبری این حزب تبریک گفت.

هیأت حدکا در اریل با پارت کارگران و رنجبران کردستان دیدار کرد

هیأتی از دفتر نمایندگی حزب دمکرات کردستان ایران در اریل به سرپرستی محمد صالح قادری، عضو کمیته مرکزی و مسئول دفتر نمایندگی حزب در این شهر به مناسبت هجدهمین سالگرد تأسیس حزب کارگران و رنجبران کردستان (عراق) از مقر این حزب دیدار نمود و سالگرد تأسیس این حزب را به رهبری آن تبریک گفت.

به گزارش کوردستان میدیا، این هیأت از سوی صالح کاکه‌یی و "هه‌وال رزگار" از اعضای دفتر سیاسی پارت کارگران و رنجبران کردستان مورد استقبال قرار گرفتند.

در این دیدار تحولات منطقه به ویژه ایران مورد بحث و بررسی قرار گرفت و به اهمیت نقش کردها در این تحولات اشاره شد.



زخمی شدن یک شهروند کرد توسط نیروهای رژیم

یک شهروند کرد در نقطه‌ی مرزی "شهاب‌الدین" بانه هدف گلوله‌ی نیروهای رژیم قرار گرفت و به شدت زخمی شد. به گزارش کوردستان میدیا، جمعه شب گذشته، بیست و هفتم بهمن‌ماه، نیروهای رژیم یک چوپان کرد را هدف گلوله قرار داده و به شدت زخمی کردند. این نیروها ضمن زخمی کردن این شهروند کرد، تمام دام‌های وی را توقیف

طی یک هفته ۳ شهروند کرد توسط نیروهای رژیم کشته شدند

طی یک هفته ۳ شهروند کرد اهل مناطق پاوه، مریوان و بوکان توسط نیروهای انتظامی رژیم ایران کشته شده‌اند.

این شهروندان بدون اینکه هیچ جرمی در مورد آنها ثابت شده باشد، کشته شده‌اند و پس از پیگیری خانواده‌هایشان، مراکز امنیتی - انتظامی رژیم ایران حاضر به پاسخگویی نشده‌اند.

به گزارش کوردستان میدیا، روز ۲۱ بهمن‌ماه یک شهروند کرد اهل منطقه‌ی پاوه از سوی نیروهای انتظامی بخش "باینگان" بازداشت شد.

عبدالقادر ارشدی نام این شهروند کرد است که از سوی نیروهای انتظامی پاسگاه "دروله" بازداشت شده است.

این شهروند کرد از سوی نیروهای این پاسگاه بدون هیچ دلیل مشخصی مورد ضرب و شتم قرار گرفته است.

عبدالقادر پس از ضرب و شتم شدید آزاد شد، اما به دلیل جراحات عمیق و آزار و اذیت بیش از حد در مکانی به نام "کلکه‌که‌ی شهرگه" در روستای "گانی سالار" به داخل یکی از رودخانه‌های منطقه سقوط نموده و جان خود را از دست داد.

عبدالقادر ارشدی ۳۴ ساله فرزند عبدالرحیم و اهل روستای "بانه‌وره" از توابع شهر پاوه است.

در همین رابطه و در ادامه‌ی کشتار شهروندان کرد، "عیسی غلام‌ویسی" از سوی نیروهای انتظامی "کلانتری ۱۱" شهر مریوان مورد ضرب و شتم و آزار و اذیت قرار گرفته است.

مدتی پیش نیز در مریوان اتومبیل یک شهروند با عیسی تصادف نموده و وی را مجروح کرده بود که پس از این حادثه، مأموران کلانتری ۱۱ در محل حاضر شده و فوراً راننده‌ی متخلف را آزاد کردند.

کردند. این چوپان سپس جهت مداوا به یکی از بیمارستان‌های شهر سلیمانیه اقلیم کردستان اعزام شد. چند روز پیش نیز نیروهای انتظامی در شهر "چوارتا" دو چوپان کرد اهل اقلیم کردستان به نام‌های "شمیران جلال" و "هلولو یاسین" را هدف گلوله قرار دادند که در نهایت یکی از آنها زخمی شد.

دو زندانی سیاسی کرد به زندان سنقر منتقل شدند

دو زندانی سیاسی کرد در شهر سنجد به زندان شهر سنقر در استان کرمانشاه انتقال داده شدند.

به گزارش آژانس خبرسانی مکریان، طی چند روز گذشته ۲ زندانی کرد زندان مرکزی سنجد به نام‌های "وریا خسروی و اکبر گوپلی" به زندان سنقر منتقل شدند. تا لحظه‌ی انتشار این خبر از علت انتقال این دو زندانی سیاسی کرد به زندان سنقر هیچ اطلاعی در دست نیست.

وریا خسروی به اتهام همکاری با یکی از احزاب کرد مخالف رژیم از سوی دادگاه انقلاب اسلامی رژیم در سنجد به ۳ سال زندان و اکبر گوپلی به اتهام اقدام علیه امنیت ملی به ۲ سال زندان محکوم شده‌اند.

معلم زندانی کرد خواستار رسیدگی به وضعیت خود شد

یک معلم کرد بازنشسته که در حال حاضر در زندان زاهدان محبوس است، در نامه‌ای خواهان حمایت سازمان ملل متحد و مراکز حقوق بشر از وی شد.

به گزارش فعالان حقوق بشر و دموکراسی در ایران، محمدمین آگوشی، معلم محبوس در زندان زاهدان در وضعیت نامناسبی قرار داشته و تاکنون برای چندین بار خواستار مرخصی شده که همچنان بدون پاسخ باقی مانده است. این شهروند به بیماری "گلیوبی و قلبی" مبتلا شده است.

این معلم کرد در نامه‌ای نوشته است، اگر به وضعیت جسمی او توجه و پاسخ‌های مناسب به خواسته‌های وی داده نشود، دست به اعتصاب خواهد زد.

محمد امین آگوشی، معلم بازنشسته‌ی اهل پیرانشهر به اتهام جاسوسی برای حکومت اقلیم کردستان از سوی دادگاه انقلاب ارومیه حکم ۱۰ سال حبس و تبعید به زندان زاهدان بروی تحمیل شده است.

بازداشت بیش از ۱۰ فعال عرب در اهواز

نیروهای اطلاعاتی رژیم برای ایجاد رعب و وحشت در میان مردم و فعالین فرهنگی عرب اهواز تعدادی از آنها را بازداشت کردند.

به گزارش فعالان حقوق بشر اهواز، روز جمعه بیستم بهمن‌ماه، نیروهای انتظامی رژیم همراه با تعدادی از افراد لباس شخصی اقدام به بازداشت‌های گسترده‌ای در کوی "ملاشیه" اهواز نموده‌اند.

بر اساس گزارش همسین منبع خبری، نیروهای رژیم علت این بازداشت‌ها را تکرار تجمع و جلوگیری از برگزاری شب شعرها اعلام کرده‌اند.

سعید عساکره ۳۷ ساله فرزند یدام، عبدالله سیلاوی، محمد باوی، جواد بدای فرزند جلیل، حبیب فرزند عوده کروشات، ماجد هاشمی فرزند عبید، صدوق بدای، توفیق صرخی، سالم دغاغله‌زادگان، نواف حمودی ۳۰ ساله، حسین حمودی ۲۴ ساله، حکیم خسرچی ۲۱ ساله، خیرالله منصور (مزرعه) ۲۱ ساله، ناجی بوعدار (سیلاوی) فرزند حمید ۱۹ ساله، یوسف زهیری فرزند یعقوب، سجاد بدوی فرزند حسین، خلیل مروانی (خسرچی) فرزند محسن ۲۲ ساله، اسامی چندین شاعر و فعال مدنی و فرهنگی بازداشت شده هستند.

اکران فیلم "فصل کرگدن" در جشنواره‌ی بین‌المللی هلند و سوئد

روتتردام در کشور هلند به نمایش درآمد.

جشنواره‌ی فیلم روتردام یکی از جشنواره‌های بزرگ اروپا و جهان است که با نمایش فیلم‌های منتخب و همچنین بخش‌های رقابتی و غیر رقابتی از طرح‌های سینمایی مستقل نیز در سراسر جهان حمایت مالی می‌کند.



فیلم سینمایی "فصل کرگدن" به کارگردانی بهمن قبادی، در جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم روتردام هلند و جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم گوتنبرگ سوئد به نمایش درآمد.

فیلم سینمایی "فصل کرگدن" اثر فیلمساز کرد، بهمن قبادی، پس از کسب چندین جایزه‌ی مهم در جشنواره‌های بین‌المللی جهان، در تازه‌ترین حضور خود در بخش "سینمای جدید ایران" در چهل و یکمین دوره‌ی جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم

همزمان با جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم روتردام، فیلم سینمایی "فصل کرگدن" در بخش سینمای موفق، در میانه‌ی سی و ششمین دور جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم گوتنبرگ سوئد نمایش شد. فیلم سینمایی "فصل کرگدن" در آخرین حضور بین‌المللی خود در جشنواره‌ی فیلم‌های ایرانی بوستون در شهرهای بوستون، هیوستون و واشنگتن دی سی آمریکا نمایش شد.

نیروهای رژیم در سردشت کولبران کرد را هدف گلوله قرار دادند

این نیروها تمام اجناس کولبران را که شامل پارچه و آهن‌آلات بود، توقیف نمودند و در همین رابطه ۷ اسب بارکش کاسبکاران با شلیک گلوله کشته شدند.

از آغاز دی‌ماه تاکنون ۹ کولبر و کاسبکار کرد در مناطق مرزی کردستان در نتیجه‌ی شلیک نیروهای انتظامی کشته و زخمی شده‌اند.

از این عده تاکنون ۲ کولبر جان خود را از دست داده و ۷ تن دیگر نیز زخمی شده‌اند.

کولبران و کاسبکاران کرد در منطقه‌ی سردشت از سوی نیروهای انتظامی رژیم هدف گلوله قرار گرفته و در نهایت یکی از کاسبکاران کرد از ناحیه دست دچار آسیب‌دیدگی شد.

به گزارش کوردستان میدیا، کولبران و کاسبکاران کرد روستای "بیتوش" از توابع سردشت در حدفاصل روستاهای دورگان - میرگه‌گای، هدف گلوله نیروهای انتظامی رژیم قرار گرفتند که بر اثر آن یکی کولبران از ناحیه دست دچار شکستگی گردید.

کشته شدن یک شهروند کرد توسط نیروهای رژیم

به نام "مختار خاطری" را هدف گلوله قرار دادند که بر اثر آن، این شهروند کرد جان خود را از دست داد.

به گزارش همسین منبع خبری، این شهروند کرد اهل شهر کامیاران، متأهل و دارای دو فرزند است.

یک شهروند کرد از سوی نیروهای رژیم در خوزستان هدف گلوله قرار گرفت و جان خود را از دست داد.

به گزارش آژانس خبرسانی کوردیا، روز جمعه بیستم بهمن ۱۳۹۱، نیروهای انتظامی رژیم در اندیشک، ماشین یک شهروند کرد

محکومیت رژیم ایران به جنایت علیه بشریت

عرصه‌ی حقوق، هنر، ادبیات، حقوق کودکان و دیگر زمینه‌های مبارزاتی، کارزاری جهانی را از پاییز ۱۳۸۶ برای رسیدگی به کشتارهای این دهه و محاکمه جمهوری اسلامی ایران به جرم جنایت علیه بشریت آغاز کردند.

ایران تریبونال، یک دادگاه مردمی است و مشروعیت خود را از مردم می‌گیرد نه از دولت‌ها و احزاب و سازمان‌های سیاسی. نیروی محرکه پشتیبان ایران تریبونال، اراده‌ی مردم است که با وجدان بیدار انسان‌های متعهد به حقوق اساسی توده‌های مردم، پشتیبانی می‌شود.

محاکمه یک حکومت و محکوم کردن آن به جنایت علیه بشریت، برای نخستین بار در جامعه‌ی بشری رخ می‌دهد و این نه تنها یک دستاورد تاریخی برای توده‌های مردم ایران و مردم سایر کشورهای تحت ظلم و ستم است، بلکه در زمینه حقوق بین‌الملل نیز، یک تحول کیفی محسوب می‌گردد.

دادگاه ایران تریبونال، رژیم جمهوری اسلامی ایران را طی حکمی به جنایت علیه بشریت محکوم کرد.

دادگاه ایران تریبونال، بعد از پنج سال تلاش مستمر و شبانه‌روزی و با حمایت و پشتیبانی مردم در زمینه‌ی جمع‌آوری مدارک، تأمین هزینه‌های دادگاه و سایر عرصه‌های حمایتی و معنوی، موفق شد این حکومت را در بی‌سابقه‌ترین دادگاه مردمی در جهان، بر اساس شهادت نزدیک به یکصد تن از زندانیان سیاسی و اعضای خانواده‌های جانبختگان دهه‌ی شصت، محاکمه و به جنایت علیه بشریت محکوم کند.

در این گزارش آمده است: "برای نخستین بار در تاریخ معاصر ایران و جهان، گروهی از خانواده‌های جانبختگان کشتار زندانیان سیاسی در دهه شصت و بخشی از زندانیان سیاسی این دهه، با یاری بخش وسیعی از فعالان سیاسی، فعالان کارگری و دانشجویی، مبارزان برابری‌خواه حقوق زنان و فعالان

از دیدگاه کنگره

قشر دانشجو، جنبش دانشجویی و کنگره‌ی پانزدهم حدکا

کیهان یوسفی

یکی از بحث‌هایی که در کنگره‌ی پانزدهم حزب دمکرات کردستان ایران مورد بررسی قرار گرفت و به آن پرداخته شد، توجه و اهمیت بیشتر به قشر دانشجو و جنبش دانشجویان کرد بود که کنگره‌ی حزب برنامه کاری ویژه‌ای را برای این مهم در نظر گرفت.

تحصیل، رشد، علم، دانشگاه و قشر دانشجو و جنبش دانشجویی از بدو تأسیس حزب دمکرات مورد توجه بوده و بدون شک این مسأله نیز از این اصل ناشی می‌شود که مباحث فوق پایه‌ها و دستاوردهای مدرنیته و عصر مدرن به شمار می‌آیند و حزب نیز به معنای مجرد و امروزی اصطلاح و پدیده‌ی مدرن است و بر این اساس رابطه‌ی میان آنها رابطه‌ی دو طرفه و ناگسستنی به شمار می‌آید.

حزب دمکرات در معرفی خود از بدو تأسیس تاکنون، خود را حزبی مترقی و مدرن می‌داند و بر همین مبنا علم، تحصیل و دانشگاه، بدون شک می‌توانند به آن اندازه دارای اهمیت باشند که کنگره‌ی حزب، برای آن زمان گذاشته و در مورد آن بحث و گفتگو نماید.

ولی آنچه که شاید بیش از هر دلیلی در آخرین کنگره‌ی حزب علنی برای توجه بیشتر به قشر دانشجو گردید، پیدایش

فاکتورهای همگون تغییرات اجتماعی، تغییر حوزه‌های مبارزه و مقاومت علیه دیکتاتوری، تغییر ابزار و مکانیسم‌های مبارزه، توسعه و گسترش گفتمان ملی و میهن‌دوستی و فضا و میدان مبارزه و مقاومت در جامعه باشد.

در چند دهه‌ی اخیر فرم جنبش‌های اجتماعی تغییر یافت. به عبارت دیگر، به موازات جنبش‌های کلاسیک اجتماعی، جنبش‌های نوین اجتماعی پدید آمدند که از آن جمله می‌توان جنبش زنان، محیط زیست، دانشجویان و ... را نام برد.

جنبش‌های نوین اگرچه در اهداف و برنامه‌هایشان خواستار مشارکت در قدرت سیاسی همگون جنبش‌های کلاسیک نمی‌باشند، ولی به نوعی در صف ناراضیان و معترضان علیه ساختار و رژیم حاکم

بر جامعه قرار می‌گیرند. به همین خاطر، این جنبش‌ها می‌توانند به عنوان کاتالیزور و یاریگری، حامی و پشتیبان جنبش‌های کلاسیک باشند. چنین امری باعث می‌گردد که جنبش‌های آزادیخواه با ماهیتی ملی‌گرایانه همچون جنبش ملی - دمکراتیک ملت کرد در کردستان ایران با اهمیت بیشتری به این جنبش‌ها بنگرد.

حزب دمکرات به عنوان پیشاهنگ، پرچمدار و پایه‌گذار جنبش کرد در کردستان ایران برای گسترش بیشتر گفتمان

ملی و آزادیخواهی ملت کرد، لازم است که بدون مداخله در کار و فعالیت این جنبش‌ها حامی و پشتیبان آنها باشد. شاید این سؤال مطرح شود که چگونه یک حزب یا جنبش سیاسی که خواستار مشارکت در قدرت سیاسی و دارای خواستی سیاسی است، حوزه و راستای فعالیت و مبارزاتش می‌تواند همسو با جنبش‌های همچون جنبش دانشجویی کردی باشد؟

برای پاسخگویی به چنین پرسشی بایستی نخست از تعریف خود جنبش‌های اجتماعی شروع کنیم که این جنبش‌ها خواستار مشارکت در قدرت است و نیز بر پایه‌ی دفاع از حقوق ملی کرد به نمودن حوزه‌ی عمومی یا به دیگر سخن، تقویت و نیرومند ساختن جامعه‌ی مدنی هستند.

جنبش کردستان و حزب دمکرات خواهان استقرار سیستمی دمکراتیک برای آینده‌ی ایران و

کردستان هستند. واضح و مبرهن است که حکومتی دمکراتیک بدون جامعه‌ی دمکراتیک (جامعه‌ی مدنی) عاری از معنا خواهد بود و نخواهد توانست که بقای خویش را تضمین کند. بر این اساس، خواست‌ها و مطالبات این دو جنبش در این نقطه به هم پیوند می‌خورد.

علاوه بر این، جنبش دانشجویی کردی با توجه به تعریف و تاریخچه مبارزات و فعالیتش، جنبشی هویت‌طلب می‌باشد که دغدغه‌ی اساسی این جنبش، هویت‌کردی و تلاش برای رشد و گسترش هر چه بیشتر فرهنگ، زبان و هویت‌کردی است. جنبش آزادیخواهی کردستان و حزب دمکرات نیز بر پایه‌ی دفاع از حقوق ملی کرد به مبارزه برخاسته است و بر همین اساس نیز مطالبات و خواست‌هایی که جنبش دانشجویی کردی در راستای آن فعالیت می‌کند، همان خواست‌ها و مطالباتی است که حزب دمکرات برای تحقق آن تأسیس شد و در این راستا مبارزه می‌کند.

با توجه به سطور بالا که به صورت مختصر به آن پرداخته شد، حزب دمکرات ضرورت و اهمیت این امر را به خوبی درک نموده و بر همین مبنا در کنگره‌ی پانزدهم این حزب به صورت مفصل مسأله‌ی دانشجویان و جنبش دانشجویی کردی مورد بحث قرار گرفت و برنامه و راهکارهای اساسی برای آن مد نظر قرار گرفت.



مسأله‌ی زنان و کنگره‌ی ۱۵ حزب دمکرات کردستان ایران

الهام چایچی

کنگره یک جایگاه حقوقی و عالی‌ترین مرجع یک حزب می‌باشد که در آن سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های اصلی حزب را تصویب می‌کند و همچنین رهبری حزب (کمیته‌ی مرکزی) را انتخاب می‌کند. کنگره علاوه بر این که از لحاظ حیات روتین سیاسی و تشکیلاتی حزبی اهمیت منحصر به فردی دارد، از نظر سیاسی نیز دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشد. در این مطلب می‌کوشیم از چشم‌انداز کنگره‌ی ۱۵ حزب دمکرات کردستان ایران، مسأله‌ی زنان را مورد بررسی قرار دهیم و به مباحث مطرح شده‌ی مربوط به زنان در این کنگره اشاره نماییم.

واقع‌بینی سیاسی که یکی از ویژگی‌های حزب دمکرات کردستان ایران است، نیازمند دیدگاهی خردمندانه و آینده‌نگری می‌باشد. ایفای نقش پیشرو تنها زمانی ممکن است که از منظر خرد و آینده‌نگری به واقعیت‌های کنونی بنگریم. مسئولیت ما در سیاست‌گذاری و ادای وظایفمان، بیان شفاف و بدون ابهام خواسته‌هایمان خواهد بود. کنگره به این نتیجه رسید که ما بیش از هر زمانی نیازمند مواجهه مثبت با مسائل و مشکلات خود هستیم. کنگره جای حل اختلافات بین افراد و افکار نیست، بلکه جایست برای انتخاباتی آگاهانه، آزاد و برابر (بدون در نظر گرفتن جنسیت، رنگ، سن، ...).

کنگره‌ی ۱۵ حزب دمکرات از بسیاری

جهات با کنگره‌های دیگر حزب متفاوت بود. شفافیت، درون‌گرایی، انتقاد از خود، انتخاب تعداد بیشتری از زنان در رهبری در مقایسه با کنگره‌های دیگر، ارائه‌ی گزارش کاملی از وضعیت کنونی زنان کردستان و ایران در گزارش کمیته‌ی مرکزی و ... نمونه‌هایی از این تفاوت‌ها بودند. دعوت از اعضا و هواداران حزب دمکرات و همچنین نمایندگانی از روشنفکران و شخصیت‌های غیرحزبی برای شرکت در بحث‌های کنگره و استفاده از نظرات مشورتی و دیدگاه‌های آنان از نشانه‌های شفافیت در این کنگره بود، همچنین بحث آزاد در مورد مشکلات، کم‌کاریها، ضعف‌ها و مسائل درون تشکیلاتی حزب نیز گام مهمی در جهت شناسایی، حل مسائل و چاره‌جویی جهت رفع مشکلات بود. یکی دیگر از این تفاوت‌ها انتقاد از خود بود که کنگره‌ی ۱۵ بیش از کنگره‌های قبلی به این مسأله پرداخته بود. حتی شخص دبیرکل و اعضای رهبری منتخب کنگره‌ی ۱۴ نیز ضمن ابراز خرسندی از کارهای انجام شده در فاصله دو کنگره‌ی ۱۴ تا ۱۵، ضعف‌ها، کمبودها و کم‌کاریها را نیز مطرح نموده و مورد بحث و گفتگو قرار دادند که این نقطه عطفی برای گذار از مشکلات و بازبینی و برنامه‌ریزی مناسب برای رسیدن به موفقیت در امور گوناگون حزبی خواهد بود.

بیشتر کنگره‌های حزب دمکرات، همچون کنگره‌ی ۱۵ این حزب که از تاریخ ۸ تا ۱۴ مهرماه ۱۳۹۱ خورشیدی به طول انجامید، در برون مرز و دور از وطن برگزار شده است و این دوری فیزیکی از جامعه‌ی کردستان ایران و شرایط خاص برگزاری

کنگره‌ها، تأثیرات به‌سزایی در کیفیت و کمیت اعضای شرکت‌کننده در کنگره‌های حزبی، به‌ویژه از لحاظ میزان مشارکت زنان در کنگره داشته است که در آخرین کنگره‌ی حزب هم که با نام "کنگره‌ی دکتر شرفکندی" و با شعار "تلاش برای اتحاد در راه پیروزی" برگزار شد، هم در نظر اعضای کنگره و هم از دیدگاه اعضای رهبری قبل از کنگره، داروی کاستی‌های ملموسی بود.

در حالتی عمومی‌تر می‌توان گفت که جوامع جهانی با بحرانی به نام "پایین بودن سطح مشارکت سیاسی زنان" روبرو هستند که این مسأله در ایران در ابعاد وسیع‌تری خود را نمایان نموده است، حضور کم‌رنگ زنان

در سیستم‌های سیاسی، مراکز تصمیم‌گیری، سیستم قضایی، مجلس و زارتخانه‌ها، ادارات و همچنین در سطح رهبری احزاب کاملاً محسوس می‌باشد.

پایین بودن تعداد زنان عضو در کنگره و کمی تعداد آنان در فرایند انتخاب اعضای رهبری و کاهش میزان تأثیرگذاریشان در تصمیم‌گیری‌های

کنگره، یکی از موضوعات مورد بحث و گفتگوی اکثریت اعضای کنگره‌ی ۱۵ بود. گفتگوها در این راستا بود که بستر مناسب برای مشارکت سیاسی زنان در حزب موجود است، لذا باید در آینده این تقیصه رفع گردد.

به همین دلیل، اعضای کنگره‌ی ۱۵ حزب دمکرات کردستان ایران، رهبری حزب را موظف نمودند که مشکلات مربوط به مشارکت سیاسی زنان را ریشه‌یابی نموده و تمام مراکز آموزشی خود را برای آماده نمودن زنان از نظر مشارکت و آگاهی سیاسی، به کار گیرد تا بتوانیم در کنگره‌ی ۱۶ حزب این مشکل مهم را حل نموده و

در عمل نیز این سیاست حزب که در تمام عرصه‌های اجتماعی و سیاسی و خانواده و ... اصل اساسی برای حزب دمکرات برابری زن و مرد است، تحقق یابد به گونه‌ای که این برابری در زمینه‌های مختلف نیز رعایت شود.

برای زنان کردستان نیز، آینده روشن جنبش ملی - دمکراتیک ما در جدائی دین از دولت و انتخاب نظامی دمکراتیک و فدرال پدیدار می‌شود. آینده‌ای که خواستار ایران برای همه‌ی ایرانیان از جمله ملت کرد، و آزادی برای تمام اقشار جامعه، منجمله زنان حق‌طلب و آزادیخواه است.



دور تازه‌های از مذاکرات تهران و کشورهای ۵+۱

به گزارش سایت "MSN" کاترین اشتون، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، روز چهارشنبه هفته‌ی گذشته از جمهوری اسلامی ایران خواست که در مذاکرات ماه جاری‌اش با شش قدرت جهانی، بی‌امون رفع مشکلات ناشی از پیامدهای برنامه‌ی هسته‌ای‌اش، از خود انعطاف نشان دهد. در این گزارش آمده است که: "پنج عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد (آمریکا، روسیه، چین، فرانسه و انگلستان) روز ۲۶ فوریه در قزاقستان به آلمان و ایران خواهند پیوست تا دور جدیدی از مذاکرات را در ادامه‌ی تلاش هفت ساله برای پایان دادن به عدم توافق هسته‌ای یک دهه‌ای با ایران انجام دهند.

اشتون در جلسه‌ی شورای امنیت سازمان ملل متحد در این باره گفت: "امیدواریم که ایران با انعطاف‌پذیری وارد گفتگوها شود، در این صورت خواهیم توانست به پیشرفت قابل توجهی دست‌یابیم."

جمهوری اسلامی به دلیل رد درخواست شورای امنیت مبنی بر توقف برنامه‌ی غنی‌سازی اورانیوم، با چهار دور تحریم سازمان ملل و چندین دور تحریم شدیدتر از سوی آمریکا و اتحادیه‌ی اروپا روبه‌رو شده است.

اشتون گفت: "اتحادیه‌ی اروپا به تداوم استراتژی دوجانبه‌ی ترکیبی فشار و مذاکره متعهد شده است" وی افزود: "تردید نیست که فشار تحریم‌ها نقش چشمگیری در بازگشت ایران به میز گفتگوها داشته است، اما تحریم‌ها به تنهایی نتیجه‌بخش نخواهد بود، آنچه که برای ایران سرنوشت ساز می‌باشد، اجرای کامل تعهدات بین‌المللی آن است."

در حالی‌که اشتون یک بار دیگر بر درستی سیاست موسوم به "جماق و هویج" در رابطه با برنامه‌ی هسته‌ای جمهوری اسلامی تأکید نموده است، باراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا از مطرح بودن تمام گزینه‌ها در صورت بی‌اعتنایی رژیم تهران به خواست‌های جامعه‌ی بین‌المللی سخن گفته است."

بر اساس همین گزارش، باراک اوباما در گزارش سالانه‌ی خود در سخنرانی اتحاد گفت: "قدرتهای جهانی در رابطه با خواست خود مبنی بر بهره‌گیری از دیپلماسی برای ممانعت از دستیابی ایران به سلاح اتمی، متحد هستند."

وی همچنین راه را برای راهکارهایی همچون کاربرد زور نیز باز گذاشته و افزود: "رهبران ایران باید بدانند که اکنون زمان حل و فصل دیپلماتیک است، زیرا اتحادی یکپارچه در مقابل آنان ایستاده است تا آنان وظایف و تعهدات خود را به انجام برسانند و ما هر آنچه را که برای پیشگیری از تلاش آنان برای دستیابی به سلاح اتمی ضروریست، انجام خواهیم داد."

گرچه سخنان اخیر اوباما و اشتون تازگی نداشته و تداوم همان سیاست چند سال اخیر غرب در قبال برنامه‌ی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، اما تأکید مضاعف آنان بر گفتگوهای ۲۶ فوریه و تأثیرات ناشی از پیامدهای آن، حاکی از به جریان افتادن دور جدیدی از سیاست "جماق و هویج" در قبال رژیم تهران است.

مذاکره‌ی ایران و آمریکا

معتصم نورانی

هفته‌ی گذشته علی اکبر صالحی، وزیر امور خارجه‌ی ایران، اعلام کرد که ایران آماده است مذاکره‌ی مستقیم با آمریکا انجام دهد، او گفت: "مذاکرات با آمریکا تنها در شرایطی انجام می‌گیرد، که اعتماد لازم نسبت به صداقت آمریکایی‌ها برای ما اثبات شود چرا که تجربه‌های قبلی ما در برابر آمریکا خلاف این را ثابت می‌کند. در چند دهه‌ی گذشته تجربه‌ی تلخ و روزگار پر از مشکلات و ناملایمات در برخورد با آنها را پشت‌سر گذاشته‌ایم، تا آنجا که آمریکا با حسن نیت یا به میدان نهد و قصد واقعی داشته باشد و دنبال پیدا کردن راه حل درست و اصولی و مثبت برای مسأله‌ی هسته‌ای باشد، خط قرمز برای انجام گفتگوها وجود ندارد و با تمام وجود از آن استقبال خواهیم کرد." همچنین آقای صالحی در کنفرانس امنیتی مونیخ در مورد پیشنهاد جو بایدن، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، درباره‌ی گفتگوی مستقیم با ایران گفت: "این اظهارات را با نگاه مثبت ارزیابی می‌کنیم." و نسبت به این اظهارات خوشبین بود.

از طرف دیگر، جو بایدن، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، در چهل و نهمین کنفرانس سالانه امنیتی در مونیخ آلمان، صحبت می‌کرد، گفت: "ایران که می‌گوید برنامه‌ی غنی‌سازی اورانیوم صلح‌آمیز و صرفاً برای تولید انرژی است، اینک با شدیدترین تحریم‌ها در طول تاریخ خود روبه‌روست تا اطمینان حاصل شود که برنامه‌ای برای توسعه آن به سوی سلاح‌های اتمی ندارد." یکی از جلسات امسال کنفرانس مونیخ به "مسأله‌ی ایران و توازن قدرت در منطقه" و تلاش کشورهای ۵+۱ برای مهار ایران به هر طریق ممکن اختصاص داشت. هدف این کشورها آن است که از راه‌های گوناگون چه از طریق محاصره شدید اقتصادی و چه از طریق مذاکره ایران

را وادار کنند که از دخالت در امور داخلی دیگر کشورها، تدریجاً و ادامه برنامه‌ی اتمی و غنی‌سازی اورانیوم منصرف شود. علاءالدین بروجردی، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس ایران گفته است که تصمیم‌گیری در مورد مذاکره مستقیم با آمریکا در عرصه هسته‌ای به عهده‌ی شورای عالی امنیت ملی است.

وی همچنین افزود که در مورد مسائل کلان‌کشوری و سیاست‌های کلی جمهوری اسلامی ایران، تصمیم نهایی به عهده‌ی رهبر جمهوری اسلامی است و غیر از سید علی خامنه‌ای هیچ‌کس دیگری قدرت این کار را ندارد و نمی‌تواند در این امر خطیر دخالت کند. همچنین بروجردی به ایسنا، خبرگزاری دانشجویان ایران گفت که "مطمئناً جمهوری اسلامی بر اساس منافع ملی‌اش در این خصوص تصمیم‌گیری می‌کند." در این رابطه به شدت از صداقت نداشتن آمریکایی‌ها انتقاد کرد و گفت: "در شرایطی که معاون رئیس‌جمهور آمریکا پیشنهاد مذاکره مستقیم با ایران را مطرح می‌کند، کنگره‌ی آمریکا به دنبال وضع کردن تحریم‌های بیشتر است که این دو رویکرد با همدیگر همخوانی ندارند." پیشنهاد مذاکره مستقیم ایران و آمریکا در حالی از طرف جو بایدن، معاون رئیس‌جمهور آمریکا مطرح می‌شود که در چند ماه گذشته، شماری از مسئولان سیاسی ایران بارها از ضرورت مذاکرات مستقیم سخن به میان آورده‌اند. از جمله احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور ایران در آخرین سفر خود به مقر سازمان ملل متحد در نیویورک، دست‌کم پنج بار در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های خود از ضرورت گفتگوی مستقیم با ایران دفاع کرده بود. احمدی‌نژاد این سخنان را در تهران دوباره و چند باره تکرار کرد. همچنین بسیاری از مقامات جمهوری اسلامی در مورد مذاکره مستقیم ایران و آمریکا از سخنان آقای احمدی‌نژاد دفاع می‌کنند و بر این باورند که باید هم در سیاست خارجی و هم در امور داخلی، سیاست‌های جمهوری اسلامی اصلاح و تعدیل شده و تغییراتی ایجاد گردد.

علی اکبر صالحی، وزیر امور خارجه‌ی ایران، اعتراف کرد که ایران به خاطر فشارهای غرب در وضع بدی قرار گرفته و برای تأمین منابع ارزی و قطعات یدکی ماشین‌آلات آنها به شدت در تنگنا قرار دارد. فشارهای شدید ناشی از تحریم‌های اقتصادی، بانکی و نفتی سبب شده است که گرانی، بیکاری، تورم شدید ارزی و کاهش ارزش پول کشور، بحران شدید اقتصادی ایجاد کند و مملکت را به طرف بحرانهای شدیدتر سوق دهد و روز به روز مردم بیشتر در مضیقه بیفتند.

زمانی محمود احمدی‌نژاد به تبعیت از سید علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت را کاغذپاره می‌خواند و می‌گفت: بگذار آنقدر کاغذپاره صادر کنند تا کاغذپاره‌دانسان پاره شود" و ادعا می‌کرد که ایران نه تنها تحت فشار نیست بلکه تحریم‌ها را فرصتی مناسب برای پیشبرد جامعه می‌شمرد.

اما در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۰ بعد از بروز اختلافات بین سیدعلی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی و احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور ایران به خاطر کنار گذاشتن حیدر مصلحی، وزیر اطلاعات از طرف احمدی‌نژاد و ابقای مجدد او در مقام خود از طرف خامنه‌ای، نزدیکان دولت و اعضای کابینه‌ی محمود احمدی‌نژاد تحریم‌های غرب را علت اصلی اوضاع بحرانی اقتصاد کشور عنوان می‌کنند.

به گزارش خبرگزاری مهر، محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور، روز ۱۶ بهمن‌ماه در مراسم بزرگداشت روز فناوری فضای در واکنش به درخواست مسئولان این بخش برای تأمین منابع ارزی مورد نیاز اعتراف کرد که به لحاظ بودجه دولت تحت فشار شدیدی قرار دارد. با تشدید تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپا، از تابستان گذشته فروش نفت به شدت کاهش یافته و انتقال درآمدهای ناشی از فروش نفت با مشکلات حادی روبروست. تحریم‌های بانک مرکزی باعث شده است که دولت در تأمین منابع مالی بخش‌های اقتصادی دچار مشکل و

مذاکره با آمریکا و نظر رهبر جمهوری اسلامی:

بعد از سخنان جو بایدن، معاون رئیس‌جمهور آمریکا و علی‌اکبر صالحی وزیر امور خارجه ایران، آیت‌الله خامنه‌ای صبح روز پنج‌شنبه ۱۹ بهمن‌ماه در سخنانی در جمع گروهی از پرسنل نیروی هوایی ارتش ایران پیشنهاد اخیر جو بایدن، معاون رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر مذاکره دو جانبه میان دو کشور را رد کرد و گفت: "سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا دچار شکست شده است و آمریکایی‌ها احتیاج دارند برگ برنده‌ای رو کنند. برگ برنده آنان کشاندن ایران به پای میز مذاکره است."

او گفت: "استقبال از پیشنهاد مذاکره با آمریکا از روی ساده‌لوحی و یا غرض است" همچنین در بخش دیگر از سخنان خود گفت: "من دیپلمات نیستم، من یک انقلابییم و حرف را صحیح و صادقانه می‌گویم. شما آمریکایی‌ها اسلحه مقابل ایران می‌گیرید و می‌خواهید مذاکره کنید، ملت ایران این چیزها نخواهد ترسید." وی بدون نام بردن از صالحی و احمدی‌نژاد، آنها را ساده‌لوح و مغرض خواند و گفت: "عده‌ای از روی ساده‌لوحی یا غرض از پیشنهاد مذاکره آمریکا خوشحالند؛ مذاکره مشکلی را حل نمی‌کند. امروز اگر کسانی بخواهند سلطه‌ی آمریکا را به کشور بازگردانند، ملت گریبانشان را خواهد گرفت." این نشانه اختلافات عمیق مقامات بلندپایه‌ی جمهوری اسلامی است که روز به روز وضع داخلی کشور بیشتر رو به وخامت می‌گذارد و مردم با مشکلات سیاسی و اقتصادی روبرو می‌شوند و اختلافات رهبر با رئیس‌جمهور منتخب خودش بیشتر می‌شود و بحران‌های داخلی عمیق و عمیق‌تر می‌شود.

www.washingtonpost.com
www.wj.com

روز جهانی زبان مادری و وضعیت زبانهای موجود در ایران

عارف ولزی

که در نهایت از طرف پلیس و ارتش پاکستان که در آن زمان داکا بخشی از شرق پاکستان بود، سرکوب شد. رخدادهای تاریخی داکا از یک طرف و از طرف دیگر اهمیت زبان مادری در جهان امروزی عاملی شدند برای اینکه در سال ۱۹۹۹ سازمان یونسکو در سی امین جلسه سالانه خود، روز ۲۱ فوریه را به عنوان روز جهانی زبان مادری انتخاب نماید. بعد از گذشت چندین سال و در سال ۲۰۰۸ نیز، این روز از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شد. به این مناسبت هر ساله در اکثر نقاط جهان جهت اهمیت دادن به زبان مادری در این روز جشن گرفته می‌شود. موقعیت جغرافیایی کردستان و تقسیم شدن آن میان چهار کشور مختلف،

باعث شد که سیاست‌های پان‌ترکیسم در ترکیه، بعث در سوریه و عراق، و همچنین پارسی‌گرایی در ایران، در طول تاریخ بر محور آسمیلاسیون ملی، فرهنگی و زبانی ملت کرد حرکت کنند. با وجود اینکه در اقلیم کردستان عراق حاکمیت خودمختار شکل گرفته و در توسعه و پاسداشت زبان کردی با تمام لهجه‌های موجود در آن نقش بسزایی ایفا کرده، اما در بخشهای دیگر کردستان همچنان خواندن و نوشتن به زبان کردی در مدارس ممنوع بوده و حتی، منکر وجود و ملیت این ملت چهل میلیونی می‌شوند. به عنوان مثال، ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، حتی روز جهانی زبان مادری را، در تقویم رسمی خود جای نداد و به علت سیاست انکار

زبان مادری هویت و نشان دهنده ارزشهای ملی و همچنین، عاملی بنیادین برای حفظ اتحاد ملی و گسترش میراث مادی و معنوی هر ملتی است. اهمیت دادن به زبان مادری به عنوان ستونی برای پیشرفت فرهنگ هر ملتی و همچنین اتحاد میان ملت‌های مختلف بر اساس گفتگو و درک متقابل، از ضرورت‌های اساسی جهان امروز است.

در ۲۱ فوریه سال ۱۳۵۲ در دانشگاه داکا پایتخت بنگلادش، تظاهراتی با هدف درخواست به رسمیت شناختن زبان بنگالی در پاکستان برگزار شد

جنگ تمساح‌ها در آکواریوم رژیم

سلام اسماعیل پور

وزارتخانه باز هم در آتش اختلافات دمید. مقاومت وزیر بهداشت در برابر این خواسته‌ی احمدی‌نژاد منجر به برکناری دست‌ساز شد و همین جا ختم نشد و اصرار احمدی‌نژاد بر گماشتن سعید مرتضوی، قاضی فاسد و سرکوبگر رژیم به عنوان رئیس سازمان تأمین اجتماعی، مقاومت شدید باندهای پیرامون لاریجانی‌ها در مجلس و قوه‌ی قضائیه را برانگیخت و پرونده‌ی فساد مرتضوی نیز دستاویزی برای فشار لاریجانی‌ها بر احمدی‌نژاد گردید. به دنبال استیضاح شیخ‌الاسلامی، وزیر کار کابینه‌ی احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور رژیم با حضور در مجلس پخش تصاویری از پیشنهاد وقیحانه‌ی فاضل لاریجانی، برادر کوچکتر لاریجانی‌ها به سعید مرتضوی که فیلم‌برداری آن توسط مرتضوی نیز برده از علق فساد و دسیسه‌چینی‌های معمول در میان صاحب منصبان رژیم برمی‌داشت، وارد دعوائی شد که لاپوشانی آن دیگر ممکن نبود. اقدام شتاب‌زده‌ی قوه‌ی قضائیه مبنی بر بازداشت مرتضوی تهدید علنی احمدی‌نژاد را در پی داشت و وی اعلام کرد در بازگشت از سفرش به مصر، مسأله را پیگیری خواهد نمود. این بار نیز تهدید احمدی‌نژاد نتیجه داد و مرتضوی بدون هیچ توضیحی آزاد شد. خامنه‌ای نیز با گلایه از بداخلاقی‌های مسئولان رژیمش، وعده داد که در آینده این مسائل را با مردم (جماعت‌داران حلقه به گوش رهبر که در چنین رژیم‌هایی "مردم" خوانده می‌شوند) در میان خواهد گذاشت. لیکن احمدی‌نژاد هنوز دست بردار نیست و شواهد حاکی از آن است که وی تهدید کرده است، اجازه نخواهد داد دولت وی با رهبر و حامیانش بدون تحمل هزینه‌های سنگین، به سود خامنه‌ای تمام شود. گفته می‌شود که تشدید این بحران درونی، احمدی‌نژاد و باند نیرومند حامی وی را به رویارویی مستقیم با ولی فقیه خواهد کشاند، تا جایی که نزدیکان احمدی‌نژاد به نقل از وی گفته‌اند: "اگر اسناد مربوط به رهبری را منتشر کنیم، آقا باید عبایش را سرش بکشد و از این مملکت برود".

حتی بعضاً در مواردی همچون برکناری متکی، وزیر خارجه و اختلافش با خامنه‌ای بر سر بقا یا عزل مصلحی، وزیر اطلاعات، آشکارا در مقابل دستورات خامنه‌ای ایستاد و زیر بار نرفت. از همین جا بود که لاریجانی‌ها (صادق، محمدجواد، علی، محمدباقر و فاضل) در کانون توجه رهبر رژیم قرار گرفته و به نیابت از وی، دولت احمدی‌نژاد را به انحاء گوناگون به چالش کشیدند. شاید نخستین جرعه‌های این اختلاف را علی مطهری، فرزند آیت‌الله مرتضی مطهری و برادر زن علی لاریجانی زد که با طرح سؤال از احمدی‌نژاد و کنسارند وی به مجلس و طرح موضوعاتی چون فساد و رانت‌خواری محمدرضا رحیمی، معاون اول احمدی‌نژاد، فساد دولتیان مدعی مبارزه با فساد و رئیس‌جمهور متظاهر به ساده زیستی را عیان نمود. فشار مجلس و دستگاه قضایی برای برکناری و بازخواست معاون احمدی‌نژاد، باعث شد که وی در واکنشی متقابل، پرونده‌ی فساد و زمین‌خواری محمدجواد لاریجانی، رئیس ستاد حقوق بشر اسلامی قوه‌ی قضائیه را پیش کشیده و حریف را موقتاً به سکوت وادارد. از دیگر مسائل مورد اختلاف می‌توان به بازداشت علی‌اکبر جوانفکر، از دستیاران احمدی‌نژاد اشاره نمود که دعوائی احمدی‌نژاد و صادق‌املی لاریجانی بر سر بازدید رئیس‌جمهور از زندان اوین را در پی داشت. به دنبال همین مشاجرات بین رؤسای این دو قوه بود که خامنه‌ای طی سخنرانی شدیداللحنی اعلام کرد: "از امروز تا زمان انتخابات ریاست جمهوری، هر کسی از مسئولان که بخواهد با علنی کردن اختلافات درونی نظام، خوراک تبلیغی برای دشمنان و رسانه‌های بیگانه فراهم کند، قطعاً خیانت کرده است". با این سخنرانی به نظر می‌رسید که آبی بر آتش اختلافات پاشیده خواهد شد و کسی جرأت دم برآوردن در برابر این عتاب شدید رهبر را نخواهد داشت. اما دیری نپایید که احمدی‌نژاد با تحت فشار قرار دادن مرضیه وحید دستجردی، وزیر بهداشت برای برکناری محمدباقر لاریجانی از مسئولیت خود در این

نظامی-امنیتی پشتیبان وی که حمایت ولی فقیه از آنها در برابر فشار افکار عمومی داخلی و خارجی و باندهای رقیب درونی، مستلزم هزینه‌ی هنگفت سیاسی برای خامنه‌ای و کلیت رژیم جمهوری اسلامی بود، از این فرصت، یعنی تضعیف پایه‌های اقتدار رهبر رژیم (که در حقیقت برای سرپا نگه‌داشتن دولت احمدی‌نژاد هزینه شده بود) برای به چالش کشیدن خود وی استفاده کرده‌اند و همین نمونه‌ی اخیر نیز بیانگر مبارزه‌جویی و هم‌آورد طلبی باند احمدی‌نژاد - مشایی علیه خامنه‌ای و حلقه‌ی پیرامونی اوست. این گونه رفتارهای احمدی‌نژاد در مقابل رهبر جمهوری اسلامی سبب شده است که دیگران نیز به خود آمده و به عتاب و خطاب‌های خامنه‌ای وقعی نهند تا جایی که عبارت "فصل الخطاب بودن رهبر" دیگر به صورت طنزی تکراری در آمده و هیچ کدام از باندهای تحت امر وی دیگر به داد و فریادهای مدامش - که بیش از آن که ناشی از اقتدار وی باشد، بیانگر عجز و درماندگی اوست - اعتنایی ننموده و فرو ریختن کاخ هیبت پوشالی‌اش را در مقابل دیدگان همه به نمایش گذاشته‌اند. دولت احمدی‌نژاد و برادران لاریجانی که اینک به صورت دعوائی بین قوه‌ی مجریه با قوای مقننه و قضائیه رژیم در آمده، از آنجا آغاز شد که احمدی‌نژاد پس از فروکش کردن امواج اعتراضات خیابانی سال ۱۳۸۸ رفته رفته از حلقه‌ی پیرامونی خامنه‌ای فاصله گرفت و

حضور ۷ ساله‌اش در مسند ریاست جمهوری و عنایات بی‌شائبه‌ی رهبر رژیم، یک شبه ره صد ساله را پیمود و با این که نسبتاً دیر به جمع غارتگران بزرگ و سرکردگان مافیایی رژیم پیوست، عوامل مختلفی دست به دست هم داد تا این جسارت را پیدا کند که پا را از دایره‌ای که برایش تعیین شده بود، فراتر بگذارد و یکی پس از دیگری، جناح‌های مختلف رژیم و سرکردگان باندهای آن را به چالش طلبیده و به گوشه‌ی رینگ براند. چپ، راست، کارگزاران، مشارکت، مؤتلفه، هاشمی، خاتمی، کروی، موسوی، ناطق نوری و ... باندها و شخصیت‌هایی بودند که طی این ۷ سال یکی پس از دیگری با حمایت و یا سکوت رضایت‌بار خامنه‌ای و پشتیبانی باندهای نظامی و امنیتی و کارتل‌های عظیم اقتصادی از هسته‌ی مرکزی رژیم به سوی لایه‌های جانبی و حاشیه‌های قدرت رانده شده و تأثیرگذاری و نفوذ بلامنازع خود در صحنه‌ی سیاسی ایران را در مصاف با این تازه‌وارد لجوج به طور روز افزونی از دست دادند. احمدی‌نژاد و باند

کشمکش درونی نشستگان بر خوان مافیایی قدرت در جمهوری اسلامی به مراحل حساسی رسیده و جنگ و دندان نشان دادن‌های اعوان و انصار ولایت فقیه و ذوب‌شدگان در منجلا ب فساد و رانت‌خواری حتی صدای ولی فقیه عاجز از حل و فصل دعوای درونی رژیم را نیز در آورده است. تازه‌ترین سکناس این دعوای که با مشاجره‌ی لفظی رئیس‌جمهور منصوب خامنه‌ای و رئیس مجلس فرمایشی شورای اسلامی در صحن علنی مجلس کلید خورد، عمق بحران در اردوگاه ارتجاع را به وضوح جلوه‌گر ساخت. این بحران، آشکارترین و مفضحانه‌ترین نمودهای فساد، بی‌اخلاقی، لاپالیگری و گروکشی در حساس‌ترین مناصب زمامداری مدعیان دین و اخلاق و عدالت را در صفحه‌ی تلویزیون‌ها و شبکه‌های اجتماعی به تصویر کشید. احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور مهرورز!!! و مدعی مبارزه با فساد که خود تجسم کاملی از شرارت، تقلب، لاپالیگری و جنایت است، به یمن



اتحاد، کلید موفقیت و پیشرفت است

هیوا میرزایی

برنامه‌ریزی کنند. از همین رو، با درس گرفتن از نتایج و دستاوردهای انقلاب ملیتهای ایران در سال ۱۳۵۷ اتحاد و همبستگی احزاب سیاسی کرد برای تحقق اهداف و آرمانهای تاریخی ملت کرد در کردستان ایران باید دستمایه هرگونه فعالیت سیاسی و دیپلماتیک در سطح کردستان و ایران گردد. به همین دلیل، اقدامات اخیر دو حزب اصیل کردستان ایران (دمکرات و کومله) را می‌توان مثبت ارزیابی کرد. امضای این قرارداد می‌تواند شروع امیدوارکننده‌ای برای اتحاد و شکل‌گیری این همبستگی و به ثمر رسیدن انتظارات فرزندان ملت کرد در این بخش از کردستان گردد. درسهای انقلاب به تاراج رفته ملیتهای ایرانی در سال ۵۷ و بارقه‌ی امید ناشی از انقلابهای ملتهای منطقه در این سالهای اخیر در کشورهای عربی و شاخ آفریقا نویدبخش ارتقای سطح آگاهی مردم منطقه خاورمیانه و کردستان است و این آگاهی و درسهای این انقلابات می‌تواند زمینه‌ساز جنبشی سراسری در ایران و کردستان گردد.

که یکی از این دلایل، عقاید مذهبی ملیتهای ایران است، مردمانی که باور داشتند اسلام مذهب اتحاد و عدالت است، ولی آن هنگام که اسلام با سیاست و حکومت ادغام شد، نتیجه‌ای جز بی‌عدالتی و ظلم نداشت. یکی دیگر از دلایل مستقر شدن حکومت اسلامی و شاید مهمترین دلیل آن، از هم گسیختگی و نبود اتحاد در میان احزاب سیاسی دمکرات و سکولار ایران بود. از هم گسیختگی احزاب سیاسی و نبود سازماندهی مناسب باعث ایجاد اختلاف و جدایی ملیتهای ایرانی از یکدیگر شد، از هم گسیختگی و اختلافی که در حال حاضر نیز میان احزاب سیاسی ایرانی در این مقطع از تاریخ مبارزاتی‌شان وجود دارد، دلیلی بر از هم گسیختگی مردمان ایرانی و در نتیجه ادامه موجودیت حکومت جمهوری اسلامی است. در این مقطع اتحاد و همبستگی احزاب ایرانی الزامی است، ولی حقیقتی تلخ وجود دارد که آن نیز دوری و فقدان همبستگی میان احزاب سیاسی است. احزاب سیاسی که دمکرات هستند، ولی متأسفانه نمی‌توانند به دور میزی جمع شوند و با یکدیگر برای آینده‌ی ایران

۲۲ بهمن، سالگرد به ثمر رسیدن مبارزه ملیتهای ایرانی است. در این روز نظام شاهنشاهی سرنگون شد و مبارزه و مقاومت ملیتهای ایران سبب فروپاشی این نظام گردید. انقلاب ۵۷ را می‌توان به مثابه رویدادی خودجوش دانست. رویدادی که ظلم و ستم موجب وقوع آن گشت. متأسفانه دستاوردهای این انقلاب به تاراج برده شد و جای حکومت شاهنشاهی را رژیم جمهوری اسلامی گرفت (پادشاهی از نوع ولایت فقیه). از همین رو آخوندها خود را نماینده خدا بر روی زمین خواندند و حکومت اسلامی مورد نظر خود را بر مردم ایران تحمیل کردند. حاکمیتی که با ریختن خون جوانان آزادیخواه و مترقی آغاز شد و در حال حاضر هم این سیاست همچنان پابرجاست و می‌توان گفت "ماشین نظامی و سرکوب جمهوری اسلامی برای بقای خود محتاج ریختن خون مردم ایران است) دلایل زیادی برای منحرف شدن دستاوردهای انقلاب ۵۷ می‌توان برشمرد



اعدام جوانان عرب با طناب تمامیت ارضی ایران

مهدی هاشمی

رژیم حاکم بر ایران در نهم ژانویه سال جاری حکم اعدام پنج تن از جوانان عرب شهر خلفیه را تأکیدی دوباره بخشید. با این کار، جوانان عرب دیگر تا چوبه دار فاصله ای ندارند و هر لحظه امکان اعدام آنها وجود دارد.

بررسی واکنش‌های سازمان‌های حقوق بشری و سکوت اپوزیسیون ایرانی خارج از کشور در برابر این احکام به طور خاص و سرکوب ملت عرب اهواز به طور عام امر مهمی است.

سالهاست که ملت عرب اهواز زیر چنگال وحشی نظام حاکم، با تنی زخمی به حال خود رها شده است. در این سال‌ها فعالان سیاسی و مدنی عرب اهوازی تمام تلاش‌های خود را به کار برده اند تا با ارسال اخبار موارد نقض حقوق بشر در شهرهای مختلف این اقلیم به وبسایت‌ها و شبکه‌های رادیویی و ماهواره‌ای اپوزیسیون ایرانی، در راستای شکافتن سقف برافراشته‌ی بایکوت خبری اعمال شده از سوی نظام گامی بردارند.

خبر تأیید حکم اعدام جوانان عرب از سوی بیادگاه‌های نظام، وجدان گردانندگان این رسانه‌های تبعیضگر را نمی‌رنجانند. اینان که در کار رسانه‌های خود برای اهداف سیاسی معین، هیچ حد و مرز اجتماعی و فرهنگی و حتی اخلاقی را به رسمیت نمی‌شناسند، از انتشار بیانیه‌ی سازمان عفو جهانی در محکومیت اعدام جوانان عرب سر باز می‌زنند. زمانی که سازمان عدالت برای ایرانیان درباره فعالان مرکز نشین و مرکزگرا بیانیه‌ای صادر می‌کند، این بیانیه در

صدها سایت و رسانه‌ی صوتی و تصویری منتشر می‌شود. اما زمانی که همین سازمان درباره جوانان عرب بیانیه صادر می‌کند، تنها و تنها تعدادی انگشت‌شمار این بیانیه را یا به شکل نصف و نیمه منتشر می‌کنند یا خلاصه‌ی مخدوشی از آن را ارائه می‌دهند. رسانه‌های فارسی اپوزیسیون (مرکزگرا) هرکدام نماینده‌ی طیف سیاسی خاصی هستند و گرایش‌های سیاسی خاص خود را دارند. اینان با وجود تفاوت‌های فراوانی که با هم دارند، همگی در سانسور خبری موارد نقض حقوق بشر در اهواز با اغماض و تبعیض عمل می‌کنند. البته در این میان باید چند وبسایت منصف را که اخبار اهواز را تا حدی منتشر می‌کنند، استثنا دانست. اپوزیسیون (مرکزگرای) ایرانی خارج از کشور به بهانه حفظ تمامیت ارضی ایران دست به این اقدام می‌زند.

ملت عرب اهواز که بر دریایی از نفت زندگی می‌کند و از این دریای ثروت بی بهره است، به دلیل سیاست‌های آپارتایدی نظام‌های متوالی حاکم بر ایران، حاشیه‌نشین وطن خویش شده است و تمامی شهرهای عرب‌نشین اقلیم اهواز از فقیرترین مناطق کل ایران هستند. در برابر این همه تبعیض و ستم، زمانی که این ملت در برابر این سیاست‌ها به پا می‌ایستد و جوانانش به تیر مستقیم فرزندان (به اصطلاح) حافظ مام وطن به قتل می‌رسند، این جنایت‌ها در دید اپوزیسیون مرکزگرا امری کاملاً عادی و توجیه‌پذیر است!

زمانی که فعالان فرهنگی ملت عرب اهواز در حمایت از هویت و فرهنگ عربی‌شان در برابر هجوم همه جانبه‌ی آسیمیلاسیون فارسی به پا می‌خیزند، دستگیر می‌شوند و زیر شکنجه‌های وحشیانه‌ی رژیم به ناچار به اعترافاتی کذب تن می‌دهند و حکم اعدام برای آنها صادر می‌شود، این امر در نظر (این دسته از) اپوزیسیون ایرانی کاملاً پذیرفته شده است!

در تمام سال‌های گذشته اپوزیسیون تمامی اتهامات و ادعاهای جمهوری اسلامی علیه زندانیان و محکومان را به شکل کامل رد کرده است و این نظام را مرجع موثقی نمی‌داند. اما زمانی که امر به فعالان ملت عرب بر می‌گردد، اینان از جمهوری اسلامی نیز فراتر می‌روند. گروهی از بان‌ایرانیست‌ها با صدور بیانیه‌هایی سه برادر حیدری را که در سال گذشته میلادی اعدام شدند، جنایتکار و سارق خواندند و از اعدام آنها حمایت کردند. دیگران نیز با سکوت خود و گاها با مطرح کردن مسائلی دویلهو همچون تجزیه‌طلبی در روزهایی که فعالان حقوق بشر اهوازی در حال به راه انداختن کمپین برای دفاع از برادران حیدری بودند، زمینه را در ایجاد بدبینی نسبت به محکومان فراهم آوردند تا بدین صورت مانع از همکاری رسانه‌ها با فعالان حقوق بشر اهوازی شوند.

این عملکرد اپوزیسیون ایرانی که به بهانه‌ی تمامیت ارضی ایران است، حکایت از آن دارد که آنها تمامیت نفتی ایران و مصالح مادی‌شان را برتر از جان انسان عرب اهوازی بی‌گناه می‌دانند. اینان با چنین اقداماتی به ملت عرب علنا اعلام می‌کنند که مصالح ما بر جان شما اولویت دارد.

با توجه به عملکرد دولت ایران و اپوزیسیون آن، به نظر می‌رسد؛ تمامیت ارضی ایران دارای مفهومی مادی و اقتصادی است و تطابق نسبتاً کاملی با تمامیت نفتی ایران دارد. این مفهوم مادی و مصلحتی در نه دهه اخیر حربه‌ای بوده است در دست نظام‌های متوالی حاکم بر ایران تا بتوانند فرزندان ملل تحت ستم را بکشند و ثروت‌هایشان را غارت کنند و هویت ملی‌شان را به بازی بگیرند و در عین حال، آنها را دشمنانی برای مام وطن معرفی کنند.

تمامیت نفتی ایران اگر گویای تمامی حقیقت مفهوم تمامیت ارضی ایران نیست، اما زیربنای اصلی آن است. تمامیت نفتی ایران همراه با هویت‌سازی ذهنی فارسی مرکزگرایان به عنوان تنها هویت پایه‌ای و مبنایی ایران کامل می‌شود. این هویت ذهنی طراحی شده به دست مرکزگرایان از هر قوم و نژادی که باشند، با تعریف ویژگی‌های هویتی و فرهنگی ملل غیر فارس در زمره‌ی مراحل ابتدایی پله پیشرفت جوامع، این هویت‌ها و فرهنگ‌های متفاوت را نکوهش کرده و به عنوان موانع پیشرفت جامعه معرفی می‌کند. بدین ترتیب حق حیات و تداوم از هویت‌های غیر فارس سلب می‌شود تا تنها هویت فارسی دوست و دوستدار مدرنیته معرفی شود که راه پیشرفت به سوی دنیای نوین را به انسان‌ها در ایران نشان می‌دهد. براین اساس، هویت ذهنی ساختگی به عنوان هویت ایرانی و

هویتی برای همه ملل ساکن ایران معرفی می‌شود. بر همگان واضح است که این هویت ذهنی ایرانی تنها معرف گروه قومی خاصی است که البته شیفتگان این قومیت خاص و ذوب‌شدگان در این قومیت را نیز شامل می‌شود.

این هویت ذهنی تک‌عنصری و رویکرد حذفی آن در برخورد با دیگر هویت‌ها، نشانگر رویکرد بانینان و پیروان

این هویت در این روزهاست. تمامیت نفتی ملیس به هویت ذهنی تک‌فرهنگی حکایت از سعی پیروان این هویت در مصادره‌ی کامل حقوق فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ملت‌هایی را دارد که هرکدام از این دو عنصر را با تهدید مواجه سازند. در مورد عرب‌های اهواز، سخن گفتن از هویت عربی خود و مطرح کردن خواسته‌هایی در حد مساوات با مرکز نشینان هم تهدیدکننده‌ی تمامیت نفتی ایران و هم تهدیدگر هویت ذهنی تک‌عنصری ایرانی است. این دو تهدید در کنار هم از نظر مرکزگرایان، تهدید علیه تمامیت ارضی ایران معرفی می‌شوند.

در مورد بلوچستان، تهدید از نوع تهدید برای هویت ذهنی ایرانی و آرمان‌های ذهنی تولید شده توسط این هویت ذهنی است. مرکزگرایان خود با تکیه بر اوامی پیریزی شده در چارچوب هویت ذهنی ایرانی، خود را مالک نصف آسیا می‌دانند، چه برسد به بلوچستان و اهواز و غیره. اما از آنجائی که تمامیت نفتی ایران و هویت ملی ایران جدایی‌ناپذیر هستند و جدایی آنها از یکدیگر کارکردشان را بی‌اثر می‌سازد، لذا بلوچستان نیز همانند اهواز تهدیدی خطرناک برای به اصطلاح تمامیت ارضی ایران است. این امرعلت نزدیکی و تعامل اپوزیسیون ایرانی با یک گروه ملی خاص و تحریم تعامل با دیگر گروه‌های ملی را به خوبی روشن می‌سازد.

در مجموع، تمامیت ارضی ایران که از نظر مرکزگرایان خود مبتنی بر دو عنصر مادی و غیرانسانی تمامیت نفتی و هویت ذهنی ایرانی است، مصادره‌ی حق دیگران به سود مرکزگرایان را امری پذیرفته شده و والا نشان می‌دهد. در سایه‌ی پایبندی سرسختانه به این هویت مرکب، ملت عرب اهواز هم از حقوق مادی‌اش محروم شده و یکی از فقیرترین ملل ایران است و هم از حقوق فرهنگی‌اش. همچنین در سایه‌ی پروپاگاندا‌ی اپوزیسیون به بهانه‌ی تمامیت ارضی ایران و اعمال بایکوت خبری بر درد و رنج‌های میلیون‌ها انسان در اهواز و دیگر مناطق ملل غیر فارس ایران، جمهوری اسلامی با خیالی راحت به قلع و قمع و کشتار فرزندان ملت عرب اهواز می‌پردازد تا به همگان ثابت کند که اکثریت



اپوزیسیون و نظام هر دو بر سر تمامیت نفتی ایران متفق هستند و آن را از جان انسان‌هایی که وجودشان این تمامیت نفتی را تهدید می‌کند نیز برتر می‌دانند. متأسفانه اینان نه هویت ما را به رسمیت می‌شناسند و نه حاضرند از لحاظ مادی ما را با خود مساوی در نظر گیرند. تجربه نه دهه حاکمیت مرکزگرایان خود دلیلی روشن بر این ادعاست. آنها به ملل نه حق تعیین سرنوشت را روا می‌بینند و نه برای آنها حق زندگی توأم با حقوقی مساوی با مرکزگرایان قائلند. آنها می‌خواهند که ما جزئی از ایران باشیم، اما با حقوقی معادل یک دهم حقوق آنها و یا شاید خیلی کمتر. آنها از ملت عرب اهواز می‌خواهند که برای همیشه همچون متهمی در ایران زندگی کند و به دلیل متهم بودنش، حق نداشته باشد همانند هر انسان آزادی حقوق کامل خود را مطالبه کند و یا مطالباتی در خارج از چهارچوب‌های از پیش تعیین شده‌ی مرکزگرایان داشته باشد، حتی اگر این مطالبات در چهارچوب تمامیت جغرافیایی ایران باشد.

به بهانه‌ی تمامیت ارضی ایران چه جوانان بی‌گناه عرب و همچنین از میان ملل غیرفارس که به خاک و خون کشیده نشده‌اند، چه میلیون‌ها انسان‌هایی که در اهواز و بلوچستان و دیگر شهرها به خاک سیاه فقر و بدبختی نشسته‌اند. از نظر این اپوزیسیون سیاسی، ملت عرب اهواز به خودی خود به هیچ وجه حق داشتن مطالباتی مستقل و خارج از چهارچوب‌های مطرح شده توسط مرکزگرایان را ندارد. به همین دلیل است که فعالان سیاسی عرب اهوازی هر طرح سیاسی را که در پیش بگیرند، در صورتی که مبتنی بر حقوق ملت عرب باشد و مطالباتی در راستای این حقوق داشته باشد، حتی اگر در حد خیلی ملایمی از مطالبات غیر مرکزی باشد، آن را تفرقه‌انگیز دانسته و به عنوان زمینه‌ساز به اصطلاح جدایی از ایران معرفی می‌کنند. از نظر آنان زمانی ملت عرب حق دارد مطالباتی داشته باشد که با فراموش کردن هویت ملی عربی خود در یکی از طرح‌های سیاسی اجتماعی مرکزگرایان ذوب شود.

برای مرکزگرایان تمامیت نفتی ایران از جان آدمی والاتر است. اینان بر اساس چنین رویکردی به هیچ وجه حاضر نیستند

تا در شکستن بایکوت خبری اعمال شده بر اقلیم اهواز همکاری کنند. بایکوت خبری مناطقی همچون اهواز نشان می‌دهد که آنان یا از حقیقت اتهامات‌شان تحت عنوان تجزیه‌طلبی که به صورت روزانه نصیب فعالان غیرفارس می‌کنند، مطمئن نیستند و یا از واقعیت غیرانسانی نهادینه شده در این اقلیم و دیگر شهرهای ایران که نشان می‌دهد در سایه‌ی حاکمیت مرکزگرایان، این انسان‌های بی‌پناه که بر دریایی از نفت زندگی می‌کنند، به چه حال و روزی افتاده‌اند.

اپوزیسیون سیاسی در قبال ملت عرب اهواز و ملل غیرفارس آگاهانه یا ناآگاهانه از سیاست‌های رژیم دفاع می‌کند که به مفهوم آپارتاید خیلی نزدیک‌تر است تا به مفهوم یک نظام ناکارآمد. سکوت آنها بر فاجعه‌های رخ داده در این مناطق، سقوط کامل مفهوم تمامیت ارضی‌شان را به دنبال خواهد داشت و برای همگان مفهوم تمامیت نفتی را آشکار خواهد ساخت.

همچنین این‌گونه عملکرد اپوزیسیون، مرزبندی‌های بی‌سن ملل ایران را بیش از پیش آشکارتر می‌سازد و مفهوم ما و شما را هر چه بیشتر به واقعیت نزدیک می‌کند. این تنها خودی‌ها هستند که می‌توانند برای خود و دیگران تصمیم بگیرند و تمامیت نفتی را پتکی برای سرکوب خواسته‌های مستقل دیگران سازند. غیر خودی‌ها یا باید دنباله‌رو خودی باشند و خواسته‌های خودی‌ها را تکرار کنند و یا به حاشیه رانده می‌شوند و به صورتی بی‌پناه به دست رژیم سفاک و خونخوار سپرده می‌شوند تا خون آنها را بریزد. البته همگان باید بدانند که هر قطره خونی که بر اساس مفهوم تمامیت نفتی کشور ریخته می‌شود، قداست کاذب ادعاهای اینان را می‌شوید و آنها را افشا خواهد ساخت.

در این روزها که فعالان فرهنگی ملت عرب اهواز دسته دسته بر سر دار می‌روند، سکوت اکثریت اپوزیسیون سیاسی و سازمان‌های فعال حقوق بشری، هرچه بیشتر جنبه‌ی خودخواهانه و غیرانسانی آن را نزد همگان رسوا می‌سازد.

بازتاب

فاتح صالحی

آیا تجربه‌ی کره‌ی شمالی در ایران هم تکرار می‌شود؟

برنامه‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی و مشکلات این رژیم پیرامون ابهام در فعالیت‌های هسته‌ای و همچنین عدم شفافیت در استفاده از تکنولوژی هسته‌ای، سال‌هاست که به بحث همیشگی میان حاکمان رژیم و کشورهای اروپایی و آمریکا تبدیل شده است. امروزه پس از نزدیک به دو دهه از آشکار شدن فعالیت‌های مخفی هسته‌ای ایران، هنوز جامعه‌ی جهانی به این نتیجه نرسیده‌اند که هدف ایران از توسعه‌ی فعالیت‌های هسته‌ای استفاده صلح آمیز و بهره‌برداری در صنایع پزشکی و زیرساخت‌های برق است. در همین رابطه، بان‌گی مون در یکی از آخرین اظهارات خویش پیرامون مسأله‌ی اتمی ایران علناً اعلام نموده که پس از کلی تحقیقات و بررسی‌های موجود هنوز مسئولان آژانس انرژی اتمی به این باور نرسیده‌اند که رژیم جمهوری اسلامی از انرژی هسته‌ای برای رسیدن به بمب اتمی استفاده نمی‌کند و این ابهام هم سبب ایجاد این نگرانی شده است که احتمال دارد در صورت بی‌توجهی کشورهای اروپایی و آمریکا، تجربه‌ی کره‌ی شمالی این بار در خاورمیانه تکرار گردد و جهان به طور جدی در معرض تهدیدی همه‌جانبه قرار گیرد.

این بحث زمانی بیشتر اهمیت پیدا می‌کند که علی‌خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی در اظهارات خود به شکلی مستمر تأکید می‌نماید که ایران در صدد تولید بمب اتمی نیست و فشارهای آمریکا و اروپا نه به خاطر فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی، بلکه به سبب مخالفت با ماهیت جمهوری اسلامی و گسترش مبانی فکری این رژیم در میان کشورهای منطقه و جهان اسلام است. هرچند این مسأله دور از ذهن نیست که اروپا و به ویژه آمریکا خواهان این نیستند که رژیم‌هایی همانند جمهوری اسلامی ایران که عامل بی‌ثباتی و دخالت در امور کشورهای دیگر هستند، به سلاح اتمی دست پیدا کنند. به خصوص وقتی که رژیم‌های همانند جمهوری اسلامی به سلاح اتمی دست یابند و در مسند قدرت و اقتدار با قدرت‌های جهانی در رابطه با مسائل منطقه‌ای و جهانی به گفتگو و مراوده بنشینند. این نگرانی هم زمانی بیشتر نمود پیدا می‌کند که رهبر جمهوری اسلامی در آخرین اظهارات خویش اعلام کرده که ایران خواهان دستیابی به سلاح اتمی نیست، اما اگر چنین قصدی هم داشته باشد، آمریکا و اروپا نمی‌توانند مانع آن گردند. از همین رو تصور نمی‌شود که نشست آینده‌ی کشورهای ۵+۱ و ایران در آلمانی، پایتخت قزاقستان دستاوردی مثبت درباری مسأله‌ی اتمی جمهوری اسلامی به دنبال داشته باشد و شکست این نشست از هم اکنون در ذهن ناظران و آگاهان سیاسی نقش بسته است

خاصیت‌های یک فنجان قهوه

تاکنون توافقی همگانی بر سر سودمندی یا زیان آور بودن قهوه وجود نداشته است، اما اینک آشکار شده است که قهوه خاصیت‌های فراوانی دارد. دانشمندان می‌گویند که قهوه قدرت بازدهی مغز را بالا می‌برد، خطر مبتلا شدن به افسردگی در زنان را کم می‌کند، خطرات بیماری‌های پروستات را از بین می‌برد و سکنه‌ی قلبی را نیز کاهش می‌دهد.

تاکنون توافقی همگانی بر سر سودمندی یا زیان آور بودن قهوه وجود نداشته است، اما اینک آشکار شده است که قهوه خاصیت‌های فراوانی دارد. دانشمندان می‌گویند که قهوه خستگی ماهیچه‌ها را کم می‌کند، می‌توان نیم‌ساعت قبل از دویدن و تمرینات ورزشی قهوه نوشید و نیمی از درد عضلات را برطرف نمود. دلیل این تأثیرگذاری مهم، وجود



اپل بزرگترین شرکت جهانی است



بیشتر این دستگاه‌ها از نوع آئپد بوده است. بر اساس این تحقیقات، شرکت اپل از شرکت "اپل هیولیت‌آند پاکار" پیشی گرفته و در رتبه‌ی نخست شرکتهای تولید کننده‌ی کامپیوتر شخصی قرار گرفته است. بازار کامپیوترهای شخصی، به دلیل رونق بازار کامپیوترهای تبلت اخیراً دچار رکود شده است.

اگر دستگاه آئپد را همچون کامپیوتر شخصی به حساب آوریم، "کانالیز" می‌گوید: "شرکت امریکایی اپل در زمینه‌ی تولید تکنولوژی، بزرگترین شرکت جهان است." کانالیز می‌افزاید: "از هر ۵ کامپیوتر که در سه‌ماهه‌ی آخر سال ۲۰۱۲ به فروش رسیده، یکی از آنها ساخته‌ی شرکت اپل بوده است. این مؤسسه همچنین اشاره می‌کند که

نگران کودکان نباشید تا آرامشان را از دست ندهند

و پیرامون خویش آشنا شده و برداشتی شخصی از محیط خود داشته باشند.

وی همچنین می‌گوید که لازم است محیطی آرام و خوشایند و سرشار از اعتماد برای کودکانشان فراهم شود تا اعتماد به نفس داشته باشند و با محیط

با وضعیت‌های متفاوت روبه‌رو شوند تا چگونگی چیره شدن بر مشکلات را یاد بگیرند و با کسب توانمندی لازم، اعتماد به نفس کافی به دست بیاورند.



اگر نگرانی والدین از حد معمول فراتر رود، باعث ایجاد مشکلات برای کودکان خواهد شد به طوری که قادر به تصمیم‌گیری در موقعیت‌های مختلف نبوده و در چنین شرایطی اعتماد به نفس آنها تضعیف می‌شود. "تیم جیلی" متخصص آموزش در کتاب جدید خود اشاره می‌کند این نگرانی بیش از حد بر روی کودک تأثیر منفی می‌گذارد. وی همچنین توضیح می‌دهد که رشد و شکوفایی کودک در محیطی مملو از ترس و وحشت او را دچار سردرگمی و فقدان اعتماد به نفس نموده و همچنین از کسب توانمندی‌های لازم برای وی جلوگیری می‌کند. همچنین به نظر وی، دخالت والدین در تمامی جزئیات زندگی کودکان، باعث می‌شود که بچه‌ها از زندگی کودکان خود محروم شوند. این متخصص توضیح می‌دهد که قبلاً بچه‌ها به تنهایی راهی مدرسه می‌شدند و این امری طبیعی و مناسب بود. وی همچنین توضیح می‌دهد، کار به جایی رسیده است که اگر والدین اجازه دهند فرزندانشان به تنهایی وارد مدرسه شوند، به عنوان والدین سهل‌انگار شناخته می‌شوند. او بر این مسأله تأکید می‌کند که بایستی کودکان